



عنوان مقاله:

«تحلیل صرفی افعال سوره مبارکه طه»

«حجه الاسلام و المسلمین خانجانی (زید عزه)»

«امیر امیری خراسانی»

«پایه اول»

«۹۴۱۹۳»

استاد راهنما:

پژوهشگر:

مقطع تحصیلی:

شماره پرونده:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## عنوان مقاله: تحلیل صرفی سوره طه

نام نویسندگان: امیر امیری خراسانی ، حجت الاسلام و المسلمین حسن خانجانی (زید عزه)

### چکیده

با توجه به این که یکی از مهمترین منابع شریعت احکام الهی قرآن کریم می باشد لذا فهم آن ارتباط مستقیم و وثیق به پی بردن معنای واژه های آن دارد. برای رسیدن به آن مقصود نیازمند شناخت کامل مفردات آن است که در این بین، علوم ادبی و در بین این علوم، علم صرف نقش حیاتی ایفا می کند بنابراین جهت تعمیق بخشیدن به این علم و عملیاتی ساختن آن، بررسی برخی از افعال مختلف یک سوره به عنوان یکی از مهمترین مفردات قرآنی، براساس قواعد علم صرف از جمله، قواعد اعلال، ادغام، تخفیف و... تبیین تک تک آن قواعد و تجزیه افعال و تبیین ریشه و معانی آن به ما در استفاده کامل و دقیق از کلام الهی و روایات معصومین علیهم السلام یاری می نماید و زمینه ای ایجاد می کند تا کلام الهی بهتر درک و فهمیده شود و به مقصود علم صرف نزدیک شویم.

**کلید واژه:** اعلال، ادغام، تخفیف، معتل، مضاعف، مهموز.

## تقدیم و تشکر:

به رسم ادب و احترام در این جا جا دارد از تمام اساتید و دوستانی که در به انجام رسیدن این پژوهش نقش داشتند تقدیر و تشکر کنم و از خداوند منان برایشان بهترین ها را مسئلت کنم.

امیدوارم این پژوهش مورد رضایت امام زمان علیه السلام قرار بگیرد و در مسیر رشد طلبگی بنده پر خیر و برکت باشد. این مختصر پژوهش صورت گرفته که حاصل زحمت و تلاش های اندک و در حد وسع و توان این بنده حقیر بوده را به ساحت مقدس بانوی دو عالم حضرت فاطمه الزهرا علیها السلام و امام خمینی رحمته الله و شاگردان مکتب ولایت و رهبری وی که با عشق به اسلام و انقلاب و توسل به ائمه اطهار با تمام وجود از مرزو بوم این کشور اسلامی دفاع کرده و به هیچ بیگانه ای اجازه ی دست اندازی به مملکت اسلامی خویش را ندادند. امید است مورد قبول واقع گردد.

## مقدمه

### به نام خالق بی همتا . . .

در زندگی روزمره شاهد اتفاقات و پیش آمدهای گوناگونی هستیم، که یا با آن ها سر و کار داریم و ما را به خود مشغول می سازند یا ساده از کنارشان عبور می کنیم، که از این بین چگونگی مواجهه هر یک از ما، با پیشامد هایی که ما را به خود مشغول می سازند متفاوت است؛ یا به خوبی از پس آن ها بر می آییم و از آن ها برای آسایش خود بهره می گیریم، و باعث پریشانی و سردرگمی ما می شوند و برای رهایی از آن ها حاضر می شویم دست به هر کاری بزنیم. بدیهی است که انسان در صورتیکه آمادگی مواجهه با هر چیزی را داشته باشد دچار پریشانی و سردرگمی نخواهد شد. حال شاید و این سوال پیش بیاید که کجای این بحث در این جا چیست؟ به خلقت انسان دقت کنید، خداوند در قرآن کریم از خلقت انسان این گونه سخن به میان می آورد:

«لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ» که ما انسان را در رنج آفریدیم (وزندگی او مملو از رنجها است).  
«بلد/ع»

این آیه بیانگر این حقیقت است که خلقت انسان بر اساس رنج و مشقت است، هیچ شأنی از شئون حیات را نخواهی دید که توأم با تلخی ها و رنج ها و خستگی ها نباشد، از آن روزی که در شکم مادر، روح به کالبدش دمیده شد، تا روزی که از این دنیا رخت بر می بندد هیچ راحتی و آسایشی که خالی از مشقت باشد نمی بیند، و هیچ سعادتتی را خالص از شقاوت نمی یابد، تنها خانه آخرت است که راحتی اش آمیخته با تعب نیست!

بنابراین با توجه به آن چه در اینها و مقدمه اول مطرح شد، در میابیم که انسان برای این سختی ها و مشکلات باید برنامه مقابله داشته باشد. حال با توجه به عمر محدود انسان آیا زمان کافی را برای تحقیق و جست و جو در مورد تمام مشکلات احتمالی و همچنین به دست آوردن راه حل مناسب و قابل اطمینان وجود دارد. مسلماً پاسخ منفی است.

قطعاً اولین راه حلی که به ذهن انسان می‌رسد کمک گرفتن از افراد مورد اطمینان و کارشناس است، که علاوه بر مهارت تجربه زیادی نیز داشته باشند.<sup>۱</sup>

خداوند حکیم، همان طور که انسان را در سخت و تعب آفرید، برای مواجهه با آن نیز برایش چاره اندیشی کرده، افرادی را آفرید و دستور به اطاعت از آن‌ها نمود که مانند او انسان‌اند و از هواس و احساسات انسانی برخوردارند، ولی به سبب روح عظیم و ارتباط با خداوند متعال مایه رشد و تعالی انسان‌اند.

پیامبر اسلام ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام در کنار کتاب آسمانی که هیچ کجی و انحرافی در آن نیست، کاملترین برنامه برای زندگی انسان را ارائه نموده‌اند که شرط بهره بردن از آن فهم دقیق کلامشان است.

حال برای فهم کلام نورانی قرآن کریم نیاز به علوم و ابزارهایی داریم که یکی از آن‌ها آشنایی با علم صرف و قواعدی است که بر روی افعال اعمال شده است. لذا در این پژوهش سعی بر این است که با بهره‌گیری از قواعد صرفی تطهیر اعلال، ادغام، تخفیف و همچنین تبیین معنا و ریشه افعال این سوره زمینه‌ای ایجاد شود تا کلام الهی بهتر درک و فهمیده شود. زیرا هنگامی که کلام الهی بهتر درک شود و انسان‌ها حلاوت و شیرینی کلام حق تعالی را بچشند انگیزه‌ی آن‌ها نسبت به تدبر و تفکر در قرآن فزونی می‌یابد و این امر سبب سعادت مندی آن‌ها در دنیا و آخرت می‌شود. انشاءالله....

---

۱- تفسیر المیزان، طباطبایی علامه محمد حسین، ج ۲۰، ص ۴۸۳.

# فصل اوّل: کلیّات ومفاهیم

## گفتار اول: کلیات

### قسمت اول : مشخصات سوره

سوره طه به گفته همه مفسران در شهر مکه نازل گردیده و دارای ۱۳۵ آیه است. محتوای آن همانند سایر سوره های مکی که بیشتر سخن از «مبدأ» و «معاد» می گویند می باشد و نتایج توحید و بدبختی های شرک را بر می شمارد!

### قسمت دوم : شأن نزول

روایات فراوانی در شأن نزول نخستین آیات سوره طه آمده که از مجموع آن ها استفاده می شود. پیامبر اکرم (ص) بعد از نزول وحی و قرآن، بسیار عبادت می کردند، مخصوصاً ایستاده به عبادت مشغول می شدند آن قدر که پاهای وی متورم می گردید، گاه برای آن که بتواند به عبادت خود ادامه دهد، سنگینی خود را بر یک پا قرار می دادند و گاه بر پای دیگر، گاه به پاشنه پا می ایستادند و گاه بر انگشتان پا، آیات ۱ الی ۸ این سوره نازل شد و به پیامبر دستور داد این همه رنج و ناراحتی را بر خود تحمیل نکند!

### قسمت سوم : فضیلت تلاوت سوره:

درباره ی فضیلت تلاوت سوره طه پیامبر اکرم (ص) می فرمایند: خداوند سوره طه و یس را قبل از آفرینش آدم، به دو هزار سال برای فرشتگان بازگو کرده، هنگامی که فرشتگان این بخش از قرآن را شنیدند گفتند: خوشا به حال امتی که این سوره بر آن ها نازل شده است و خوشا به حال کسانی که این سوره را در درون خود جای داده اند و خوشا به حال کسانی که زبانشان به تلاوت آیات سوره طه مترنم است.<sup>۲</sup> ایشان همچنین درباره فضیلت تلاوت این سوره می فرمایند: «به کسی که سوره طه را قرائت کند در قیامت ثواب همه مهاجران و انصار اعطا می شود».<sup>۳</sup>

---

۲-تفسیر نمونه، مکارم شیرازی ناصر، ج ۱۳، ص ۱۷۳  
۳-نقل شده از مجمع البیان، طبرسی فضل بن حسن، ج ۷، ص ۵



## گفتار دوم: مفاهیم

### ۱- اعلال:

الف) اعلال در لغت به معنای بیمار کردن کسی یا پی در پی نوشیدن آب آمده است.<sup>۴</sup>

ب) در اصطلاح اعلال در اصطلاح عبارت است از حذف یا قلب (تبدیل حرف عله به حرف دیگر) یا ساکن نمودن حروف عله است و انگیزه اصلی و غرض نهایی از اعلال آن است که کلمه زیباتر و در نتیجه تلفظش آسان تر گردد.<sup>۵</sup>

### ۲- ادغام

الف) ادغام در لغت به معنای داخل شدن چیزی در چیزی می باشد.<sup>۶</sup>

ب) در اصطلاح: ادغام عبارت است از داخل کردن حرفی در حرف دیگری که همانند و هم جنس حرف اول باشد. مشروط به آن که متصل به یکدیگر بوده و حرف اول ساکن و حرف دوم متحرک باشد. پس اگر حرف اول از این دو حرف متحرک باشد و یا این که قبل از آن حرف الف باشد در این صورت حرکت آن حرف حذف می شود مانند «مَدَّ و مَادَّ» که در اصل «مَدَدَّ» و «مَادَدَّ» بوده است. و اگر چنانچه قبل از دو حرف مجانس، حرف صحیح و ساکنی قرار گرفته باشد در این صورت حرف اول مجانس به ما قبلش منتقل می شود مانند «يَمُدُّ» که در اصل «يَمَدَدُّ» بوده است. در شذالعرف نیز شبیه به تعریف بالا، تعریف اصطلاحی ادغام آمده است:

آمدن دو حرف که حرف اول ساکن و دومی متحرک (باشد)، از منخرجی واحد بدون هیچ جدایی بین آن دو است، بطوریکه زبان بالا می رود و به یک باره پایین می آید.<sup>۷</sup>

۴. معجم الوسيط، درسیل ماده علل

۵. صرف ساده، طباطبایی سید محمد رضا، ص ۱۰۹

۶. معجم ال و سيط، در سیل ماده دغم

۷. شذالعرف فی فن الصرف، حملاوی احمد، ص ۱۷۸

### ۳- تخفیف

الف) تخفیف در لغت به معنای سبک گردانیدن چیزی است.<sup>۸</sup>

ب) تخفیف در اصطلاح به معنای ایجاد تغییرات (قلبی و حذفی) بر روی همزه می باشد.<sup>۹</sup>

### ۴- مهموز

الف) مهموز در لغت به معنای فشار داده شده می باشد.<sup>۱۰</sup>

ب) به کلمه‌ای که یکی از حروف اصلی آن همزه باشد. همزه در کلمه مهموز در معرض تخفیف می باشد و تخفیف همزه دو گونه است: ۱. قلبی ۲. حذفی<sup>۱۱</sup>

### ۵- معتل

الف) معتل در لغت به معنای دوبار نوشیده شده یا دوبار بیمار شده می باشد.<sup>۱۲</sup>

ب) معتل در اصطلاح به معنای تغییرات حروف عله را اعلال نامیده اند. اعلال حروف عله تغییراتی را در اقسام فعل معتل (مثال، اجوف، ناقص) پدید می آورد. این تغییرات بر اساس قواعد اعلال صورت می پذیرد.<sup>۱۳</sup>

### ۶. مضاعف:

الف) مضاعف در لغت به معنای دو برابر کردن چیزی می باشد.<sup>۱۴</sup>

---

۸. معجم الوسیط، در سیل ماده خ ف

۹. صرف ساده، طباطبایی سید محمد رضا، ص ۱۲۵

۱۰. معجم الوسیط، در سیل ماده ه م ز

۱۱. صرف ساده، طباطبایی سید محمد رضا، ص ۴۰

۱۲. معجم الوسیط، در سیل ماده ع ل ل

۱۳. صرف ساده، طباطبایی محمد رضا، ص ۳۶

۱۴. معجم الوسیط، در سیل ماده ض ع ف

ب) مضاعف ثلاثی مجرد فعلی است که عین الفعل ولام الفعل آن متماثل باشند. از آنجا که افعال مضاعف در معرض ادغام قرار دارند در بالا به ادغام پرداخته شد.<sup>۱۵</sup>

## گفتار سوم: قواعد عمومی اعلال<sup>۱۶</sup>

قاعده یکم:

هر یک از «واو» و «یاء» چنانچه عین الفعل کلمه و متحرک باشد و حرف پیش از آن صحیح و ساکن باشد، حرکت آن به ماقبل داده می شود مانند  $\text{يَقُولُ} \leftarrow \text{يَقُولُ}$ ،  $\text{يَبِيعُ} \leftarrow \text{يَبِيعُ}$ <sup>۱۷</sup>

قاعده دوم:

هر یک از «واو» و «یاء» چنانچه عین الفعل یا لام الفعل و در کلمه و مفهوم یا مکسور باشد و حرف پیش از آن مفهوم یا مکسور باشد، حرکت آن پس از سلب حرکت ماقبل داده می شود مانند

$\text{بُيِعَ} \leftarrow \text{بُيِعَ}$ ،  $\text{قُولَ} \leftarrow \text{قُولَ}$   $\text{قِيلَ} \leftarrow \text{قِيلَ}$ <sup>۱۸</sup>

قاعده سوم:

هر یک از «واو» مفهوم ماقبل مفهوم و «یاء» مفهوم یا مکسور چنانچه در آخر کلمه قرار گیرد، حرکت آن می افتد.

قاعده چهارم:

«واو» ساکن ماقبل مسکور قلب به «یاء» می شود

---

۱۵. صرف ساده، طباطبایی محمد رضا، ص ۹۷

۱۶. شرح شافیه ابن حاجب، استر آبادی رضی الدین، ج ۳، ص ۶۶؛ شرح نظام، نظام الاعرج حسن بن محمد، ص ۵۳۷

۱۷. مبادی العربیه، شرتونی رشید، ج ۴، ص ۵۸

۱۸. قاعده های ۱ و ۲ و ۳ مربوط به اعلال سکونی است.

### قاعده پنجم:

«واو» در صورتی که لام الفعل و ماقبل آن مکسور باشد قلب به «یاء» می شود.

### قاعده ششم:

«واو» چنانچه لام الفعل و حرف چهارم به بعد کلمه باشد و ماقبل آن مفتوح باشد قلب به «یاء» می شود. این قاعده بر قاعده هشتم اعلال مقدم می باشد یعنی در مواردی که امکان اجرای هر دو قاعده (۶ و ۸) باشد این قاعده و سپس قاعده هفتم جاری می شود.

تذکر: در کلماتی که هم زمینه ی قاعده ی ادغام وجود دارد و هم زمینه ی قواعد اعلال، قاعده ی اعلال جاری می شود. نه قاعده ادغام.

### قاعده هفتم:

«یاء» چنانچه فاء الفعل و ساکن و ماقبل آن مفهوم باشد قلب به «واو» می شود. مثال:

يُسِرُّ ← يُوَسِّرُ

### قاعده هشتم:

هر یک از «واو» و «یاء» متحرک ماقبل مفتوح، چنانچه فاء الفعل نباشد و حرکت آن نیز عارضی نباشد قلب به «الف» می شود. هر یک از «واو» و «یاء» چنانچه در کلمه ای، ساکن در موضع حرکت باشد - یعنی به خاطر اجرای قواعد اعلال سکونی در همین کلمه ساکن شده باشد نیز مشمول قاعده هشتم است.

### قاعده نهم:

«الف» ماقبل مفهوم قلب به «واو» و «الف» ماقبل مکسور قلب به «یاء» می شود.

(قاعده های ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹ درباره ی اعلال قلبی هستند).

## قاعده دهم:

حرف عله ساکن درالتقا ساکنین با حرف صحیح و ساکن پس از خود چنانچه هر دو در یک کلمه باشند حذف می شود. مگر این که ساکن اول حرف مد زاید یا بین زاید و ساکن دوم مُدَعَم باشد مانند ضالین. به خلاف حرف مد اصلی که آن نیز حذف می شود مانند صیغه های ۷ و ۱۳ «بات» و ۶ و ۱۴ «کان»

### تبصره ۱:

حرکت حرف صحیح پس از حرف عله ساکن، در دو مورد سکون به حساب می آید و زمینه ساز قاعده ۱۰ می شود:

۱- حرفی که به صورت ساکن وضع شده و به خاطر واقع شدن از الف، حرکت عارضی به خود گرفته باشد مانند تاء در مثل (دَعَوَ تا) ← دَعَتَا ← دَعَتَا<sup>۱۹</sup>

۲- حرف ساکنی که به خاطر دفع التقا با ساکن دیگری که در کلمه پس از آن است حرکت عارضی به خود گرفته باشد؛ مانند قُلِ الْحَقُّ<sup>۲۰</sup>.

### تبصره ۲:

حرف عله ساکن، چنانچه با حرف عله ساکن دیگری التقا کند و هر دو در یک کلمه باشند، چنانچه یکی از آن دو ضمیر یا علامت باشد، ضمیر یا علامت نگه داشته میشود و ساکن دیگر حذف می شود،

مانند: (دَعَوَا) ← دَعَاوا ← دَعَوَا

چنانچه هیچ یکی از آن دو ضمیر یا علامت نباشد، یکی از آن دو حذف می شود.

۱۹. شرح کافیة ابن حاجب، استرآبادی رضی الدین، ج ۴، ص ۴۸

۲۰. شرح کافیة ابن حاجب، استرآبادی رضی الدین، ج ۴، ص ۴۸

## گفتار چهارم: قواعد تخفیف همزه<sup>۲۱</sup>

### قاعده یکم:

همزه ساکن هر گاه در یک کلمه بعد از همزه متحرک واقع شود، به حرف مد ناسب با حرکت همزه اول تبدیل می شود. قلب همزه در این مورد واجب است (أ / آ، أو / أو، إئ / إي). از جمله موارد اجرای این قاعده فعل ثلاثی مجرد مهموزالفاء (صیغه ۱۳ مضارع معلوم و مجهول، ۷ تا ۱۳ امر معلوم و ۱۳ امر مجهول) است.

### قاعده دوم:

همزه ساکن هرگاه بعد از حرف متحرکی غیر از همزه قرار گیرد به حرف مد مناسب با حرکت حرف پیش از خود تبدیل می شود. قلب همزه در این مورد جایز است مانند تأریخ و تاریخ، شوم و شوم.

### قاعده سوم:

همزه متحرک هر گاه در یک کلمه بعد از همزه متحرک دیگری واقع شود چنانچه مفتوح یا مفهوم باشد به واو و چنانچه مکسور باشد به یاء تبدیل می شود. قلب همزه به واو و یاء واجب است.

### تبصره ۱:

اجرای این قاعده در کلمه ائمه و در صیغه ۱۳ مضارع - امر ۰ مهجور الفاء جایز است نه واجب<sup>۲۲</sup>، می گوئیم: ائمه و ائمه.

۲۱. شرح شافیه ابن حاجب، استرآبادی رضی الدین، ج ۳، ص ۳۰؛ شرح نظام، نظام الاعرج حسن ابن محمد، ص ۴۹۴؛ جامع الدروس.

العربیه، غلابینی مصطفی، ج ۲، ص ۱۲۰

۲۲. شرح رضی بر شافیه، ج ۳، ص ۵۳-۵۹

## تبصره ۲:

همزه متحرک دوم چنانچه لام الفعل باشد، به هر حرکتی متحرک باشد و جوباً قلب به یاء می شود

مانند خَطَائِيَّ ← خَطَائِي ← خَطَائِي ← خطایا

## قاعده چهارم:

همزه متحرک هر گاه بعد از واو یا یاء زاید ساکن واقع شود در برخی موارد به حذف مماثل ماقبل خود تبدیل می شود و سپس ادغام صورت می گیرد. قلب همزه در این مورد سماعی است مانند نبیُّ ← نبیُّ. این قاعده در سُوء و شَىء جاری نمی شود

## قاعده پنجم:

همزه مفتوح واقع در اثنای کلمه، چنانچه پس از حرفی غیر از همزه قرار گیرد و آن حرف مکسور یا مفهوم باشد به حرف عله مناسب با حرکت حرف پیش از خود تبدیل می شود.

(قلب همزه در این مورد جایز است مانند مَائِه ← مِيَه ، يُومُّ ← يَوْمُ)

## قاعده ششم:

همزه مکسور هر گاه در صیغه جمع بر وزن فعائل بعد از الف و قبل از یاء لام الفعل واقع شود و جوباً قلب به یاء مفتوح می شود، خواه یاء لا الفعل، غیر منقلب باشد مانند:

بقائِي (جمع بَقِيَّة) ← بقایی ← (بقایا) خواه منقلب از همزه؛ مانند خَطَائِي (جمع خَطِيئَة) خطایي ← (خطایا)<sup>۲۳</sup>

۲۳. شرح رضی بر شافیه، استر آبادی رضی الدین، ج ۳، ص ۶۰

### قاعده هفتم:

همزه لام الفعل واقع در آخر کلمه چنانچه بعد از حرف متحرک قرار گیرد جایز است به حرف عله متناسب با حرکت ماقبل خود تبدیل شود، مانند قَرَأَ ← قَرَأَ، بَرِيءٌ ← بَرِيءٌ<sup>۲۴</sup>

### قاعده هشتم:

همزه عين الفعل ماده سوال (پرسیدن، خواستن) در ماضی و مضارع معلوم و امر معلوم آن قلب به الف می شود. قلب همزه به الف در این مورد جایز است و می گوئیم سَأَلَ و سَأَلَ، يَسْأَلُ و يَسْأَلُ اسْأَلْ و سَلْ.

### قاعده نهم:

همزه وصل اول کلمه در صورتی که بعد از همزه استفهام واقع شود، چنانچه مفتوح باشد قلب به الف و چنانچه مکسور یا مفهوم باشد حذف می شود مانند اَلآن ← اَلآن، اُصْطَفِي ← اُصْطَفِي؟<sup>۲۵</sup>

### قاعده دهم:

همزه در موارد زیر حذف می شود:

۱ و ۲ امر تَأْخُذْ و يَأْكُلْ. همزه هر گاه فاء الفعل امر حاضر «أَخَذَ يَأْخُذُ» و «أَكَلَ يَأْكُلُ» باشد، حذف آن واجب است مانند أُؤْخِذُ ← خُذْ، أُؤْكَلُ ← كُلْ.

۳ امر يَأْمُرْ: همزه هر گاه فاء الفعل امر حاضر «أَمَرَ يَأْمُرُ» باشد، حذف آن جایز است<sup>۲۶</sup>. می گوئیم أَوْمُرُ يَأْمُرُ. هر یک از این صیغه های امر حاضر این ماده چنانچه در آغاز جمله قرار گیرد بهتر است آن را به صورت محذوف الفاء بیاوریم.

۲۴. جامع الدروس العربيه، غلايينى مصطفى، ج ۲، ص ۱۲۲

۲۵. شرح شافيه ابن حاجب، رضى الدين استرآبادى، ج ۳، ص ۶۴

۲۶. شرح كافيه ابن حاجب، استر آبادى رضى الدين، ج ۳، ص ۵۰



چنانچه در اثنای جمله واقع شود عدم حذف بهتر از حذف آن است.

مشتقات الرَّأْي: همزه هرگاه عین الفعل مضارع و امر - معلوم و مجهول - ماده «الرَّأْي» باشد. پس از نقل حرکت آن به ماقبل حذف می شود. حذف همزه در این مورد واجب است<sup>۲۷</sup>. مانند يَرَأِي

## گفتار پنجم: قواعد ادغام<sup>۲۸</sup>

### قاعده اول:

ادغام دو حرف متمایل چنانچه اولی ساکن و دومی متحرک و هر دو در یک کلمه باشند واجب است. مانند: مُعَلِّمٌ ← مُعَلِّمٌ ، عَلُوٌّ ← عَلُوٌّ

### قاعده دوم:

ادغام دو حرف متمایل چنانچه اولی متحرک باشد جایزالتسکین، دومی متحرک و هر دو در یک کلمه باشند و آن کلمه اسم ثلاثی مجرد (اسم ثلاثی مجرد متحرک العین مانند عَدَدٌ، مَلِكٌ، قُلٌّ، سُرٌّ. اسم ثلاثی مجرد ساکن العین مشمول قاعده یکم می شوی و ادغام در آن واجب است مانند: بَرٌّ، بَرٌّ ، بُرٌّ) یا ملحق (مانند مَهْدَدٌ (اسم زنی است)) و مانند (جَلْبَبٌ، قَرْدَدٌ، خَفَيْدَدٌ) بنا شد واجب است مانند مَدَدٌ ← (مَدَدٌ) ← مَدَّ.

### قاعده سوم:

ادغام دو حرف متمایل چنانچه اولی ساکن، دومی متحرک و آن دو حرف در دو کلمه باشند نیز واجب است.

۲۷. شرح کافیه ابن حاجب، استر آبادی رضی فی الدین، ج ۳، ص ۳۳

۲۸. شرح نظام، نظام الاعرج حسن بن محمد، ص ۶۷۲؛ شرح رضی بر شافیه، شرح أشمونی، الصبان محمد بن علی، ج ۴، ص ۳۴

ادغام در این مورد چنانچه حرف دوم، ضمیر دفعی یا جدی یا نون و قایه باشد لفظی و کتبی و در غیر این صورت فقط لفظی است. قسم اول مانند سَكْتُ/ سَكْتُ. قسم دوم مانند:

اُكْتُبِ بِالْقَلَمِ ۖ اُكْتُبِ بِالْقَلَمِ.

### قاعده چهارم:

ادغام لام «أل» در حروف شمسی که عبارتند از چهارده حرف ت، ث، د، ذ، ر، ز، س، ش، صف ض، ط، ظ، ل، ن واجب است.

### قاعده پنجم:

ادغام نون ساکن (ن یا تنوین) و هر یک از حروف یرملون (ی، رف م، ل، و، ن) در صورتی که در دو کلمه باشند واجب است مانند «سَلَامٌ قَوْلًا مِّن رَّبِّ رَحِيمٍ» (یس/۵۸). و چنانچه در یک کلمه باشند جز در مورد دو نون که بنا بر قاعده ۱ واجب است مانند مَنَّ/ مَنَّ در بقیه موارد جایز نیست مانند دنیا، صنوان.<sup>۲۹</sup>

### قاعده ششم:

ادغام دو حرف متمایل در موردی که اولی متحرک جایز التسکین و دومی و لام الفعل یکی از صیغه های ۱ و ۴ و ۷ و ۱۳ و ۱۴ مضارع مجزوم و امر باشد جایز است در چنین موردی چنانچه ادغام را انتخاب کردیم، باید حرف اول را طبق آن چه در قاعده ۲ گذشت ساکن کنیم و سپس حرف دوم را متحرک نماییم. حرکت، می تواند فتحه یا کسره و چنانچه عین الفعل مفهوم است، فتحه یا کسره یا ضمه باشد.

(قاعده های ۶ و ۷ و ۸ و ۹ مربوط به قواعد ادغام جایزی می باشند.)

۲۴- شرح اشمونی، الصبیان محمد بن علی، ج ۴، ص ۳۵۴

### قاعده هفتم:

ادغام دو حرف متمایل متحرک واقع در دو کلمه جایز است. این ادغام در بیشتر موارد فقط لفظی و در برخی موارد لفظی و کتبی است. لفظی مانند زیدٌ کَتَبَ بِالْقَلَمِ ← زیدٌ کَتَبَ بِالْقَلَمِ.

### قاعده هشتم:

ادغام دو حرف متقارب واقع در یک کلمه در صورتی که موجب اشتباه نشود جایز است مانند اذْكَرَ ← اذْكَرَ، يَتَّصَعِدُ ← يَتَّصَعِدُ. به خلاف مثل وَطَدَ که در صورت ادغام طاء در دال که متقاربین هستند با وَدَّ اشتباه خواهد شد.

### قاعده نهم:

ادغام دو حرف متقارب در صورتی که دو کلمه باشند و حرف اول، ساکن و غیر از نون و لام «أل» باشد جایز است/ اما ادغام لام «أل»، دو حرف متقارب با آن و ادغام نون ساکن در حروف «یرملون» همان گونه که در قاعده های ۴ و ۵ گذشت واجب است مانند مَدَدْتُ و مَدَدْتُ، هَلْ رَأَيْتَ و هَلْ رَأَيْتَ.

### قاعده دهم:

ادغام در موارد زیر ممتنع است:

۱- حرف اول از دو حرف متمایل یا متقارب متحرک و حرکت آن لازم باشد (مدغم میه و یا حرف اول کلمه باشد). مانند مَدَدٌ، وَتَدٌ، دَدَنٌ (تاء و دال، هم به لحاظ منخرج متقاربنند و هم به لحاظ صفت، جیم و دال، به لحاظ صفت متقاربنند. تاء، جیم و دال از حروف شدیدند).

۲- حرف دوم ازدو حرف متمائل یا متقارب ساکن و سکون آن، به علت اتصال به ضمیر رفع متحرک باشد؛ مانند مَدَدَنٌ

### ۳- وزن «أَفْعِل» در باب تعجب

۴- موارد سماعی که مشمول ضابطه ای نیست؛ مانند ضَبِبَ الْمَكَانَ

## **فصل دوم: تجزیه افعال معتل**

## معتل الفاء (مثال)

۱. أتوَكُّوا: مضارع-متكلم-ثلاثی مزید-غیر سالم(مثال)-لازم-معلوم-معرب-صیغه ۱۳-باب تفعَّل - ریشه وکئ-معنا: تکیه میکنم.

• بر روی این فعل قاعده ۷ تخفیف اجرا شده است.

۲. أجدُّ: مضارع-متكلم-ثلاثی مجرد-غیر سالم(مثال)-متعدی-معلوم-معرب-صیغه ۱۳-باب إفعال- ریشه وج د-فَعَلَ یَفْعَلُ-معنا: می یابم.

• اگر مضارع مثال واوی، بر وزن «یَفْعَلُ» باشد، فاء الفعل از مضارع و امر معلوم آن حذف می شود. (این قاعده اختصاص به مثال واوی دارد)<sup>۳۰</sup> فاء الفعل فعل مذکور طبق این قاعده حذف شده است.

۳. وَسِعَ: ماضی - غایب - ثلاثی مجرد (فَعَلَ-یَفْعَلُ) - غیر سالم (مثال) - متعدی - مبنی بر فتح - صیغه یک - ریشه و س ع - معنا: فرا گرفته است.

• فاء الفعل مضارع معلوم مثال واوی ای که بر وزن یَفْعَلُ باشد حذف می شود. که این قاعده در مورد برخی از افعال مثال واوی که مضارع معلوم آنها مفتوح العین هستند نیز صدق می کند که از جمله این افعال وَسِعَ می باشد.<sup>۳۱</sup>

۴. لم نَجِدْ: مضارع-متكلم-ثلاثی مجرد (فَعَلَ یَفْعَلُ) - غیر سالم (مثال) - متعدی - معرب - صیغه چهارده - معنا: نیافتیم.

۳۰. جامع المقدمات / صرف میر، شریف میر سید، ج ۱، ص ۸۷

۳۱. ر.ک صرف ساده، طباطبایی محمد رضا، ص ۱۱۸ ق ۲ تبصره ۱

- فاء الفعل این فعل طبق قاعده ذیل حذف شده است: اگر مضارع مثال واوی، بر وزن یَفْعَلُ باشد به ثقالت و سنگینی آن فاء الفعل از مضارع و امر معلوم آن حذف می شود.<sup>۳۲</sup>

۵ لم یَعِدْكُمْ: مضارع-غایب- ثلاثی مجرد (فَعَلَ یَفْعَلُ)- غیر سالم (مثال)- متعدی- معلوم-معرب- صیغه ۱ - ریشه و عد-معنا: وعده نداده بود شمارا

- اگر مضارع مثال واوی، بر وزن (یَفْعَلُ) باشد، به علت ثقالت و سنگینی آن، فاء الفعل از مضارع و امر معلوم آن حذف می شود.<sup>۳۳</sup> فاء الفعل فعل مذکور طبق این قاعده حذف شده است.

### معتل العین (اجوف)

۶. أُخْتَرْتُكَ: ماضی- متکلم- ثلاثی مزید- غیر سالم (اجوف)- متعدی- معلوم- مبنی بر سکون- صیغه ۱۳- باب افتعال ریشه خ ی ر- معنا: تورا برگزیدم.

- قاعده ۱۰ اعلال بر روی این فعل اجرا شده است.

۷. أَمِرٌ: امر- مخاطب- ثلاثی مزید- غیر سالم (اجوف)- متعدی- معلوم- مبنی بر سکون- صیغه ۷- باب إفعال ریشه ق دم-معنا: به پادار

- بر روی این فعل قاعده ۱۰ اعلال اجرا شده است.

۸. أَكَادُ: مضارع- متکلم- ثلاثی مجرد- غیر سالم (اجوف)- متعدی- معلوم- معرب- صیغه ۱۳- ثلاثی مجرد (فَعَلَ یَفْعَلُ)- ریشه ک ود- معنا: می خواهم.

- قاعده ۸ اعلال عمومی بر روی این فعل اجرا شده است.

۹. لَا تَخَفْ: مضارع (نهی)- مخاطب- ثلاثی مجرد (فَعَلَ یَفْعَلُ)- غیر سالم (اجوف)- لازم- معلوم- معرب- صیغه ۷- ریشه خ وف-معنا: نترس

۳۲. جامع المقدمات / صرف میر، شریف میر سید، ج ۱، ص ۸۷

۳۳. جامع المقدمات / صرف میر، شریف میر سید، ج ۱، ص ۸۷

• قاعدهٔ ۱۰ اعلال بر روی این فعل اجرا شده است.

۱۰- سَعِيدُهَا: مضارع- متکلم- ثلاثی مزید- غیر سالم (اجوف)- متعدی- معلوم- معرب- صیغه ۱۴- باب افعال- ریشهٔ ع و د- معنا: به زودی آنرا بازمی گردانیم.

• قاعده های ۲ و ۴ اعلال بر روی این فعل اجرا شده اند.

۱۱- جِنَاك: ماضی- متکلم- ثلاثی مجرد (فَعَلَ يَفْعَلُ)- غیر سالم (اجوف)- متعدی- معلوم- مبنی برفتح- صیغه ۱۴- ریشهٔ ج ی ع- معنا: آوردیم تورا.

• در اینجا مضارع فعل جاء بروزن يَفْعَلُ می باشد در نتیجه از صیغهٔ ۶ به بعد فاء الفعل آن مکسور می گردد تا دلالت کند بر اینکه عین الفعل آن فعل افتاده و یاء بوده است نه واو<sup>۳۴</sup>.

۱۲- اَطِيعُوا: امر- مخاطب- ثلاثی مزید- غیر سالم (اجوف)- متعدی- معلوم- مبنی بر ضم- صیغه ۹- باب افعال- ریشهٔ ط ی ع- معنا: اطاعت کنید.

• در اینجا نون عوض از رفع صیغه ۹ بر اثر جزم حاصل از امر حذف شده است.

۱۳- سَوَّكْتَلِي: ماضی- غایب- ثلاثی مزید- غیر سالم (اجوف)- متعدی- معلوم- مبنی برفتح- صیغه ۴- باب تفعیل- ریشهٔ س و ل- معنا: برای من زیبا جلوه داد.

۱۴- زِدْنِي: امر- مخاطب- ثلاثی مجرد (فَعَلَ يَفْعَلُ)- غیر سالم (اجوف)- متعدی- معلوم- مبنی بر سکون- صیغه ۷- ریشهٔ ز ی د- معنا: به من بیفزای.

• قاعدهٔ ۱۰ اعلال بر روی این فعل اجرا شده است.

---

۳۴. جامع المقدمات صرف میر، شریف میرسید، ج ۱، ص ۹۵



۱۵- نُعِيدُكُمْ: مضارع- متکلم مع الغير- ثلاثی مزید- غیر سالم (اجوف)- متعدی- معلوم- معرب- صیغه ۱۴- باب افعال ریشه‌س و د- معنا: بازمی گردانیم شمارا.

• قاعده های ۲ و ۴ اعلال بر روی ای نفع‌ل اجرا شده اند.

### • معتل العین (ناقص)

۱۶- اُنَاسِرُ: امر- مخاطب- ثلاثی مزید- غیر سالم (ناقص)- متعدی- معلوم- مبنی بر حذف حرف عله- صیغه ۷- باب افعال ریشه‌س ری - معنا: به شبروی ببر.

• بر روی این فعل یکی از قواعد خصوصاً افعال ناقص که در ذیل آمده اجرا شده است:

در صیغه های او ۴ و ۷ و ۱۳ و ۱۴ مضارع مجز و موامر که علامت رفع، ضمه لام الفعل است؛ لام الفعل حذف می شود<sup>۳۵</sup>.

۱۷- قَدَأَنْجِينَاكُمْ: ماضی- غایب- ثلاثی مزید- غیر سالم (ناقص)- متعدی- معلوم- مبنی بر فتح- صیغه ۱۴- باب افعال- ریشه ن ج ی- معنا: نجات دادیم شمارا.

۱۸- مَاغَشِيَهُمْ: ماضی- غایب- ثلاثی مجرد- غیر سالم (ناقص)- متعدی- معلوم- مبنی بر فتح- صیغه ۱- فَعَلَ يَفْعَلُ- ریشه غ ش ی- معنا: آن‌ها را در خود فرو پوشید.

• در مضارع این فعل قاعده ۱ اعلال اجرامی شود.

۱۹- اِهْتَدَى: ماضی- غایب- ثلاثی مزید- غیر سالم (ناقص)- لازم- معلوم- مبنی بر فتح- صیغه ۱- باب افتعال- ریشه د ی - معنا: هدایت یافت.

• قاعده ۸ اعلال بر روی این فعل اجرا شده است.

۳۵. رک صرف ساده، طباطبایی محمد رضا، ص ۱۲۱

۲۰- لَتَرَضَى : مضارع- مخاطب- ثلاثی مجرد (فَعَلَ يَفْعَلُ)- غیر سالم (ناقص)- لازم- معلوم- معرب- صیغه ۷- ریشه ر ض ی - معنا: تاخشنود گردی.

• قاعده ۸ اعلال بر روی این فعل اجرا شده است.

۲۱- لَا يَبْلَى : مضارع- غایب- ثلاثی مجرد (فَعَلَ يَفْعَلُ)- غیر سالم (ناقص)- لازم- معلوم- معرب- صیغه ۱- ریشه ب ل ی - معنا: نابودی نمی پذیرد.

• قاعده ۸ اعلال بر روی این فعل اجرا شده است.

۲۲- قَبَدَتْ : ماضی- غایب- ثلاثی مجرد (فَعَلَ يَفْعَلُ)- غیر سالم (ناقص)- لازم- معلوم- مبنی برفتح- صیغه ۴- ریشه ب دو- معنا: پیدا شد.

• بر روی این فعل تبصره ۱ قاعده ۱۰ اعلال اجرا شده است.

۲۳- ارْعَوْا : امر- مخاطب- ثلاثی مجرد (فَعَلَ يَفْعَلُ)- غیر سالم (ناقص)- متعدی- معلوم- مبنی بر ساکن- صیغه ۹- ریشه ر ع ی - معنا: بچرانید.

• بر روی این فعل قاعده خصوصی ناقص که در ذیل ذکر می شود اجرا شده است<sup>۳۶</sup>: در صیغه های ۱ و ۴ و ۷ و ۱۳ و ۱۴ مضارع مجزوم و امر که علامت رفع، ضمه لام الفعل است؛ لام الفعل حذف می شود.

۲۴- نودى : ماضی- غایب- ثلاثی مجرد (فَعَلَ يَفْعَلُ)- غیر سالم (ناقص)- متعدی- مجهول- مبنی برفتح- صیغه ۱- ریشه ن د ی - معنا: نداده شد.

• بر روی این فعل قاعده ۹ اعلال اجرا شده است.

---

۳۶. ر.ک صرف ساده، طباطبایی محمد رضا، ص ۱۲۱

۲۵- لَتَشَقَّى : مضارع-مخاطب- ثلاثی مجرد (فَعَلَ يَفْعَلُ)- غیر سالم(ناقص)-لازم-معلوم-معرب-صیغه ۷- ریشه ش ق ی -معنا: تادررنج افتی.

• بر روی این فعل قاعده ۸ اعلال اجرا شده است.

۲۶- لَتُجْزَى: مضارع-مخاطب- ثلاثی مجرد (فَعَلَ يَفْعَلُ)- غیر سالم(ناقص)-متعدی- مجهول-معرب- صیغه ۷- ریشه ج ز ی- معنا: تاجزاییبند.

• بر روی این فعل قاعده ۸ اعلال اجرا شده است.

۲۷- أَلْفَهَا: امر-مخاطب- ثلاثی مزید- غیر سالم(ناقص)-متعدی- معلوم-مبنی بر حذف حرف عله-صیغه ۷- باب افعال- ریشه ل ق ی -معنا: انداخت آنرا

• بر روی این فعل یکی از قواعد خصوصى افعال ناقص که در ذیل آمده اجرا شده است:

در صیغه‌های ۱ و ۴ و ۷ و ۱۳ و ۱۴ مضارع مجزوم و امر که علامت رفع، ضمه لام الفعل است؛ لام الفعل حذف می شود<sup>۳۷</sup>.

۲۸. يَخْشَى : مضارع- غایب- ثلاثی مجرد (فَعَلَ يَفْعَلُ)- غیر سالم(ناقص)- لازم- معلوم- معرب- صیغه ا ریشه خ ش ی -معنا: می ترسد.

• بر روی این فعل قاعده ۸ اعلال پیاده شده است.

۲۹- لَا تَطْغَوْا: مضارع-مخاطب- ثلاثی مجرد (فَعَلَ يَفْعَلُ)- معلوم-معرب-صیغه ۹- ریشه ط غ ی- معنا: از حد خود تجاوز نکنید.

• بر روی این فعل قاعده خصوصى ناقص که در ذیل ذکر می شود اجرا شده است<sup>۳۸</sup>:

---

۳۷. رک صرف ساده، طباطبایی محمد رضا، ص ۱۲۱

۳۸. رک صرف ساده، طباطبایی محمد رضا، ص ۱۲۱

در صیغه‌های ۱ و ۴ و ۷ و ۱۳ و ۱۴ مضارع مجزوم و امر که علامت رفع، ضمه لام الفعل است؛ لام الفعل حذف می‌شود.

۳۰- لَمْ يَهْدِ: مضارع مجزوم - غایب - ثلاثی مجرد (فَعَلَ يَفْعَلُ) - غیر سالم (ناقص) - معرب - صیغه ۱ ریشه ه د ی - لازم - معنا: هدایت نشد - معلوم.

- بر روی این فعل قاعده خصوصی ناقص که در ذیل ذکر می‌شود اجرا شده است.<sup>۳۹</sup>

## لفیف

۳۱- فَقَدَهُوَيَ: ماضی - غایب - ثلاثی مجرد (فَعَلَ يَفْعَلُ) - غیر سالم (لفیف مقرون) - لازم - معلوم - مبنی برفتح - صیغه اریشه ه و ی - معنا: سقوط کرد.

- بر روی این فعل قاعده ۸ اعلال پیاده شده است.

۳۲- تَوَلَّى: ماضی - مخاطب - ثلاثی مزید - غیر سالم (لفیف مقرون) - لازم - معلوم - مبنی برفتح - صیغه ۷ - باب تَفَعَّلَ - ریشه ول ی - معناروی گردانید.

- بر روی این فعل قاعده ۸ اعلال پیاده شده است.

۳۳- اسْتَوَى: ماضی - غایب - ثلاثی مزید - غیر سالم (لفیف مقرون) - لازم - معلوم - مبنی برفتح - صیغه ۱ - باب افتعال - ریشه س و ی - معنا: برتری دارد.

- بر روی این فعل قاعده ۸ اعلال اجرا شده است.

۳۴- يُوحَى: مضارع - غایب - ثلاثی مزید - باب إفعال - غیر سالم (لفیف مقرون) - متعدی - مجهول - معرب - صیغه ۱ - ریشه وح ی - معنا: وحی می‌شود.

- بر روی این فعل قاعده ۸ اعلال پیاده شده است.

---

۳۹. رک صرف ساده، طباطبایی محمد رضا، ص ۱۲۱

۳۵- لاتینیا: مضارع (نهی)-مخاطب-ثلاثی مجرد(فَعَلَ یَفْعَلُ)-غیر سالم(لفیف مقرون)-لازم- معلوم-  
معرب- صیغه ۸- ریشه ون ی- معنا: سستی نکنید

• فاء الفعل مضارع معلوم مثال واوی ای که بروزن یَفْعَلُ باشد حذف می شود. (این قاعده اختصاص به مثال واوی دارد<sup>۱</sup>).

۳۶- أُوحِیَ: ماضی-غایب-ثلاثی مزید(باب افعال)- غیر سالم(ناقص)- متعدی-مجهول- مبنی  
برفتح - صیغه ۱- وح ی (لفیف مفروق)- معنا: وحی شده است.

۳۷- أُوحِینَا: ماضی-غایب-ثلاثی مزید- باب افعال- غیر سالم(ناقص)- متعدی-معلوم-مبنی برفتح -  
صیغه ۱۴- ریشه وح ی -معنا: وحی کردیم.

۳۸- یُوحِیَ : مضارع- غایب-صیغه ۱- ثلاثی مجرد- فَعَلَ یَفْعَلُ -غیر سالم(ناقص)- متعدی-  
مجهول- معرب- ریشه وح ی -وحی می شود.

• برروی این فعل قاعده ۸ اعلال پیاده می شود.

---

۴۰.جامع المقدمات/ صرف میر، شریف میرسید، ج ۱، ص ۸۷

## **فصل سوم: تجزیه افعال مهموز**

## مهموز الفاء

۳۹- أَخَذَ: ماضی-غایب-ثلاثی مجرد (فَعَلَ یَفْعُلُ)- غیر سالم (مهموز الفاء)- متعدی-معلوم-مبنی برفتح- صیغه ۱- معنا: گرفت- ریشه أخذ.

• بر روی این فعل قاعده ۲ تخفیف پیاده می شود.

۴۰- أَتَاكَ: ماضی-غایب-ثلاثی مجرد (فَعَلَ یَفْعُلُ)- غیر سالم (مهموز الفاء)- متعدی-معلوم-مبنی برفتح صیغه ۱- فَعَلَ یَفْعُلُ-ریشه أت ی- معنا: به تورسیده است.

۴۱- ءَأَنْسَتْ: ماضی-متکلم-ثلاثی مزید- غیر سالم (مهموز الفاء)- متعدی-معلوم- معرب- مبنی برسکون- صیغه ۱۳- باب إفعال- ریشه أن س- معنا: دیدم

• بر روی این فعل قاعده یک تخفیف پیاده شده است.

۴۲- لَا يُؤْمِنُ: مضارع-غایب-ثلاثی مزید- غیر سالم (مهموز الفاء)- متعدی-معلوم- معرب-صیغه ۱- باب إفعال- ریشه أ من- معنا: ایمان نمی آورد.

• بر روی این فعل جایز است قاعده دوم تخفیف پیاده شود.

۴۳- قَدَّءَاتَيْنَاكَ: ماضی-متکلم-ثلاثی مزید- غیر سالم (مهموز الفاء)- متعدی-معلوم-مبنی برفتح- صیغه ۱۴- باب إفعال- ریشه أت ی- معنا: عطا کردیم تورا.

• بر روی این فعل قاعده یک تخفیف پیاده می شود.

۴۴- كَلُّوا: امر- مخاطب-غایب-ثلاثی مجرد (فَعَلَ یَفْعُلُ)- غیر سالم (مهموز الفاء)- متعدی-معلوم- مبنی برضم-صیغه ۹- ریشه أك ل- معنا: بخورید.

• بر روی این فعل قاعده ۱۰ تخفیف که ذکر شد اجرا شده است.

۴۵- اَتُّوا: امر- حاضر(مخاطب)-غایب-ثلاثی مجرد(فَعَلَ يَفْعَلُ)- غیر سالم(مهموزالفاء)- لازم- معلوم- مبنی بر حذف نون-صیغه ۹- ریشه ات ی- معنا: بیایید.

• بر روی این قاعده‌های یک و دو تخفیف اجرا شده است.

۴۶- لَنْ لَنْتُورَكْ: مضارع-متکلم-ثلاثی مزید- غیر سالم(مهموزالفاء)- متعدی-معلوم-معرب- صیغه ۱۴- باب افعال- ریشه اُث ر- معنا: تو را ترجیح نمی‌دهیم.

• بر روی این فعل قاعده‌دوم تخفیف پیاده شده است.

۴۷- اَذِنْ: ماضی- غایب-ثلاثی مجرد(فَعَلَ يَفْعَلُ)- غیر سالم(مهموزالفاء)-متعدی-معلوم- مبنی بر فتح-صیغه ۱- ریشه اذن- معنا: اجازه دهد.

• بر روی این فعل قاعده‌دوم تخفیف اجرا شده است.

۴۸- اَتَيْكُم: ماضی- غایب-ثلاثی مجرد(فَعَلَ يَفْعَلُ)- غیر سالم(مهموزالفاء)-متعدی-معلوم- مبنی بر فتح-صیغه ۱- ریشه ات ی- معنا: آوردم شمارا.

• بر روی این فعل قاعده‌یک تخفیف اجرا شده است.

## مهموزالعین

۴۹- لِنُرِيكَ: مضارع-متکلم-ثلاثی مزید- غیر سالم(مهموزالعین)- متعدی-معلوم-معرب- صیغه ۱۴- باب افعال- ریشه رأ ی- معنا: تا به تو بنمایانم.

• بر روی این فعل قاعده دوم تخفیف اجرا شده است.

۵۰- رَأ: ماضی- غایب-ثلاثی مجرد(فَعَلَ يَفْعَلُ)- غیر سالم(مهموزالعین)-متعدی-معلوم- مبنی بر فتح- صیغه ۱- ریشه رأ ی- معنا: دید

• بر روی این فعل قاعده ۸ اعلال اجرا شده است.



۵۱- لا تَرَى : مضارع- مخاطب- ثلاثی مجرد (فَعَلَ يَفْعُلُ)- غیر سالم (مهموز العین)- متعدی- معلوم-  
معرب- صیغه ۷- ریشه رأ ی -معنا: نمی بینی

• بر روی این فعل قاعده دوم تخفیف اجرا شده است.

۵۲- يَسْئَلُونَكَ: مضارع-غایب- ثلاثی مجرد (فَعَلَ يَفْعُلُ)- غیر سالم (مهموز العین)- متعدی- معلوم-  
معرب- صیغه ۳- ریشه س ال -معنا: می پرسند از تو.

۵۳- رَأَيْتَهُمْ: ماضی - غایب- ثلاثی مجرد (فَعَلَ يَفْعُلُ)- غیر سالم (مهموز العین)- متعدی- معلوم- مبنی  
برسکون-صیغه ۷-ریشه رأ ی- معنا: دیدی آنها را.

### مهموز اللام

۵۴- أَتَوَكَّأُ: مضارع-متکلم- ثلاثی مزید-غیر سالم (مهموز اللام)- لازم-معلوم-معرب- صیغه ۱۳-  
باب تَفَعَّلَ - ریشه وک ی- معنا: تکسیه می کنم.

• بر روی این فعل قاعده ۷ تخفیف اجرامی شود.

۵۵- جِئْنَاكَ: ماضی - متکلم - ثلاثی مجرد (فَعَلَ يَفْعُلُ)- غیر سالم (مهموز اللام)- متعدی - معلوم -  
مبنی برفتح- صیغه ۱۴- ریشه ج ی ء- معنا: آوردیم تو را.

• بر روی این فعل قاعده ۲ تخفیف وقاعده ۱ خصوصی اجوف اجرا شده است.

## فصل چہارم: افعال مضاعف

## مضاعف

۵۶- أَضَلَّ: ماضی-غایب-ثلاثی مزید- غیر سالم (مضاعف)-متعدی-معلوم-مبنی برفتح- صیغه ۱-

باب افعال-ریشه ض ل ل-معنا: گمراه کرد

• بر روی این فعل قاعدهٔ دوم ادغام اجرا شده است.

۵۷- فَيَحِلُّ: مضارع-غایب-ثلاثی مجرد (فَعَلَ يَفْعُلُ)- غیر سالم (مضاعف)-لازم-معلوم- معرب-

صیغه ۱- ریشه ح ل ل - معنا: برسد.

• بر روی این فعل قاعده دوم ادغام اجرا شده است.

۵۸- لَا يَضِلُّ: مضارع-غایب-ثلاثی مجرد (فَعَلَ يَفْعُلُ)- غیر سالم (مضاعف)-لازم-معلوم- معرب-

صیغه ۱- ریشه ض ل ل- معنا: گمراه نمی شود.

• بر روی این فعل قاعدهٔ دوم ادغام اجرا شده است.

۵۹- فَلَا يَصُدُّكَ: مضارع- غایب- ثلاثی مجرد (فَعَلَ يَفْعُلُ)- غیر سالم (مضاعف)- متعدی- معلوم-

معرب- صیغه ۱- ریشه ص د د - معنا: روی گردان نکند.

• بر روی این فعل قاعدهٔ دوم ادغام اجرا شده است.

۶۰- وَأَشَدُّ دَبَهُ: امر-مخاطب-ثلاثی مجرد (فَعَلَ يَفْعُلُ)- غیر سالم (مضاعف)-متعدی-معلوم- مبنی بر

سکون- صیغه ۷- ریشه ش د د - معنا: محکم کن به آن.

• بر روی این فعل قاعده ۶ ادغام اجرا شده است.

۶۱. أَحْلَلُ: امر- مخاطب- ثلاثی مجرد (فَعَلَ يَفْعُلُ) - غیر سالم (مضاعف)- متعدی- معلوم- مبنی

بر سکون- صیغه ۷-معنا: بگشای- ریشه ح ل ل

• بر روی این فعل قاعده ۶ ادغام اجرا شده است.

۶۲- ضَلُّوا: ماضی - غایب - ثلاثی مجرد (فَعَلَ يَفْعُلُ) - غیر سالم (مضاعف) - لازم - معلوم - مبنی  
برضم - صیغه ۷ - معنا: گمراه شدند - ریشه ض ل ل

• بر روی این فعل قاعده سوم ادغام اجرا شده است.

۶۳- مَنَّا: ماضی - متکلم - ثلاثی مجرد (فَعَلَ يَفْعُلُ) - غیر سالم (مضاعف) - متعدی - معلوم - مبنی  
برفتح - صیغه ۱۴ - ریشه م ن ن - معنا: نعمت فراوان دادیم.

• بر روی این فعل قاعده سوم ادغام اجرا شده است.

۶۴- أَدْلَكَا: مضارع - متکلم - ثلاثی مجرد (فَعَلَ يَفْعُلُ) - غیر سالم (مضاعف) - متعدی - معلوم -  
معرب - صیغه ۱۳ - معنا: راه بنمایانم - ریشه دل ل

• بر روی این فعل قاعده سوم ادغام اجرا شده است.

۶۵- كَى تَقْرَأْ: مضارع - صیغه ۴ - غایب - ثلاثی مجرد (فَعَلَ يَفْعُلُ) - متعدی - معلوم - معرب - ریشه  
ق در - معنا: روشن گردد.

• بر روی این فعل قاعده دوم ادغام اجرا شده است.

## نتیجه گیری:

در این بخش به توصیف آنچه گذشت می‌پردازیم. همان‌طور که قبلاً بیان شد موضوع پژوهش در مورد تحلیل صرفی سوره مبارکه طه می‌باشد. افعال این سوره در سه بخش معتل، مهموز و مضاعف تقسیم‌بندی می‌شوند. هر یک از این افعال دارای قواعد خصوصی و عمومی هستند.

قواعدی که در افعال معتل اجرا شده اند شامل قواعد اعلال عمومی می‌باشد و برای هر قسم از معتلات نیز که شامل مثال، اجوف و ناقص هستند قواعد خصوصی وجود دارد که به تجزیه آنها پرداخته شد.

در خصوص افعال مهموز نیز لازم است بدانیم این افعال به پنج قسم مهموز الفاء، مهموز العین، مهموز اللام و مهموز الفاء و اللام و مهموز العین و اللام تقسیم‌بندی می‌شوند که قواعد تخفیف اجرا شده بر روان‌ها نیز بیان شد.

در رابطه با افعال مضاعف نیز باید بگوییم که قواعدی نظیر ادغام و برخی از قواعد اعلال در این افعال اجرا شد.

در این پژوهش با قواعد صرفی نظیر (اعلال، ادغام و تخفیف و ...) آشنا شدیم و آن قواعد را فرا گرفتیم - و در ضمن یادگیری هر یک از قواعد مذکور را که در افعال سوره طه اجرا شده بود را تشخیص و مورد بررسی قرار دادیم و توانستیم به معنا و مفهوم آیات این سوره پی ببریم.

## منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. تفسیر المیزان، علامه محمد حسین طباطبایی، انتشارات امیرکبیر و رجا، ۱۳۶۳ ه. ش.
۳. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، دارالعلم، تهران، چاپ ۳۸، ۱۳۸۷ ه. ش.
۴. جامع الدروس العربیه، مصطفی غلابینی، دارالکوخ، لبنان، چاپ اول.
۵. جامع المقدمات/صرف میر، سید میر شریف، قم، انتشارات هجرت، ۱۳۸۸ ه. ش.
۶. حاشیه الصبّان علی شرح أشمونی علی الفیة ابن مالک، محمد ابن علی الصبیان، زاهدی، قم، ۱۴۱۹ ه. ق.
۷. شدّالعرف، احمد حملاوی، ذوی القربی، طرابلس، چاپ ۱۹۵۷، ۱۲ م.
۸. شرح شافیه ابن حاجب، رضی الدین استرآبادی، تهران، انتشارات الصادق، ۱۳۹۲ ه. ش.
۹. شرح کافیة ابن حاجب، رضی الدین استرآبادی، تهران، انتشارات الصادق، ۱۳۹۲ ه. ش.
۱۰. شرح نظام، حسن بن محمد نظام الاعرج، دارالحججه للثقافه، قم، چاپ اول.
۱۱. صرف ساده، محمد رضا طباطبایی، ۱۳۸۲، قم، دارالعلم، چاپ ۷۹.
۱۲. مبادئ العربیه، رشید شرتونی، قم، مولانا، چاپ اول، ۱۳۹۱ ه. ش.
۱۳. مجمع البیان فی تفسیر القرآن الکریم، فضل بن حسن طبرسی، انتشارات ناصر خسرو، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۲ ه. ش.
۱۴. معجم الوسیط، مترجم محمد بن درریگی، انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۸۹ ه. ش.